

مقایسه علم‌سنجی مفاهیم راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش

20.1001.1.24767220.1400.11.2.2.2

سمیه جعفری^۱

سپیده فهیمی‌فر^۲

چکیده

با توجه به تفاوت دو مفهوم راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش، هدف پژوهش حاضر تحلیل و مقایسه مفاهیم راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش براساس آثار نمایه‌شده در وبگاه علم است. پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی و از نظر روش‌شناسی، توصیفی با رویکرد علم‌سنجی است که در آن از فنون تحلیل هم‌واژگانی و تحلیل شبکه استفاده شده است. جامعه پژوهش تولیدات علمی مرتبط با موضوع راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش در وبگاه علم است. از نرم‌افزارهای هیست‌سایت، اکسل و گفی برای تحلیل داده‌ها و از ووس‌ویور برای ترسیم نقشه‌ها استفاده شده است. در حوزه راهبرد دانش ۴۰۴ اثر و در حوزه راهبرد مدیریت دانش ۷۲۰ اثر در وبگاه علم نمایه شده است. کشورهای ایالات متحده و چین بیشترین تولیدات را در حوزه‌های راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش داشته‌اند. براتیانو و بیرلی به ترتیب بیشترین تولیدات و استنادات را در حوزه راهبرد دانش و گرن‌دینتی و هانسن، نوهریا و تیرنی به ترتیب بیشترین تولیدات و استنادات را در حوزه راهبرد مدیریت دانش به خود اختصاص داده‌اند. حوزه اقتصاد کسب‌وکار بیشترین سهم را در تولید آثار هر دو حوزه داشته است. دانشگاه پادوآ بیشترین مشارکت را در هر دو حوزه داشته است. واژگان آثار راهبرد دانش پنج خوشه و آثار راهبرد مدیریت دانش هشت خوشه را تشکیل دادند. تعداد ۵۳۴ کلیدواژه مشترک در خوشه‌های موضوعی این دو حوزه وجود دارد. کلیدواژه‌های راهبرد دانش، مدیریت دانش و نوآوری در حوزه راهبرد دانش و کلیدواژه‌های مدیریت دانش، راهبرد مدیریت دانش و نوآوری در حوزه راهبرد مدیریت دانش به ترتیب بیشترین مرکزیت‌های درجه، نزدیکی و بینابینی را دارند. روند رشد تولیدات علمی دو حوزه صعودی بوده است و تعداد بیشتر تولیدات و استنادات حوزه راهبرد مدیریت دانش نشان‌دهنده توجه بیشتر پژوهشگران به این حوزه در سطح بین‌الملل و ایران است. حوزه پژوهشی علم اطلاعات در آثار پژوهشی راهبرد دانش مشارکت بیشتری به نسبت حوزه علم رایانه دارد.

واژگان کلیدی: راهبرد(های) دانش، راهبرد(های) مدیریت دانش، علم‌سنجی، هم‌واژگانی، نقشه دانش، تحلیل شبکه اجتماعی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۹/۲۹

تاریخ بازنگری: ۱۳۹۹/۱۰/۲۹

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۲

۱. دانشجوی دکتری مدیریت اطلاعات و دانش، دانشگاه تهران.

۲. استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه تهران (نویسنده مسئول)؛ sepidehfahimi2004@yahoo.com

مقدمه

مرتبط با این دو مفهوم از جوانب گوناگون چگونگی‌اند و تا چه میزان هم‌پوشانی دارند.

طی چند دهه گذشته، نقشه‌های دانش به‌منزله یکی از مهم‌ترین وجوه مطالعات سنجشی علم اهمیت بسیاری در حوزه‌های گوناگون کسب کرده است. ارائه تصویر کلان از وضعیت پژوهش‌های صورت‌گرفته و نحوه ارتباط حوزه‌های متفاوت و آگاهی از نحوه رشد و توسعه این حوزه‌ها طی زمان، از اهداف نقشه‌های دانش است (Norouzi Chakoli, 2012). نقشه‌های دانش با استفاده از فنون و روش‌های گوناگونی ترسیم می‌شوند که هم‌رخدادی واژگان یکی از آن‌هاست. در این روش از واژگان کلیدی مدارک در عنوان، چکیده، کلیدواژه‌ها و متن مقالات برای مطالعه ساختار مفهومی یک حوزه استفاده می‌شود. در این تحلیل از شاخص‌ها برای فراوانی هم‌رخدادی دو مورد - مانند شاخص نزدیکی و شباهت که برای اندازه‌گیری میزان ارتباط میان موردهاست - استفاده می‌شود. براساس این شاخص‌ها، مفاهیم در گروه‌هایی خوشه‌بندی و به‌صورت شبکه ترسیم می‌شوند که برای برجسته‌کردن موضوعات اصلی موجود در یک حوزه و یافتن ارتباطات پنهان در آن حوزه به‌کار می‌روند (Hee, 1999; quoted from Zolfaghari et al., 2016). بنابراین با توجه به برداشت‌های متفاوت از دو مفهوم راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش در ادبیات حوزه‌های کسب‌وکار و مدیریت دانش از یک‌سو و ضرورت ارتباط میان راهبردهای دانش و راهبردهای مدیریت دانش در سازمان‌ها از سوی دیگر، از طریق تحلیل هم‌واژگانی، به‌منزله یکی از روش‌های رایج در مطالعات سنجشی علم، خوشه‌های موضوعی ذیل مفاهیم پژوهشی (نظیر راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش) آشکار می‌شود، روابط مفهومی و معنایی آن‌ها در نظر گرفته می‌شود و ساختار فکری دانش در حوزه‌های بررسی شده ترسیم می‌شود. به این منظور، هدف پژوهش حاضر شناسایی، تحلیل و مقایسه روند پژوهش، و ساختار واژگان آثار حوزه‌های راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش براساس شاخص‌های مرکزیت در وب‌گانه علم^۴ است و تلاش داریم به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

۱. ساختار مطالعات مرتبط با راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش از جنبه‌های گوناگونی مانند قالب اثر، زبان، کشورها، مؤسسات و پژوهشگران مشارکت‌کننده، حوزه‌های پژوهشی دخیل و استنادکننده و نشریات چگونه است؟

۲. خوشه‌های موضوعی و مفاهیم حاصل از هم‌رخدادی واژگان مطالعات راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش کدام است؟

۳. میزان هم‌پوشانی زیرحوزه‌های موضوعی مطالعات راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش براساس شاخص دربردارندگی چه مقدار است؟

شرایط نوین کسب‌وکارها ایجاب کرده است که دانش به‌راهبردی‌ترین منبع سازمانی تبدیل شود. در همین راستا، در اواخر دهه ۱۹۹۰ اصطلاح راهبرد دانش^۱ برای نخستین بار، به‌منظور پاسخ‌گویی به این سؤال که چه دانش‌هایی برای سازمان مهم است، به حوزه ادبیات مدیریت وارد شد (Gao, 2004). کستن^۲ (2007) راهبرد دانش را مجموعه‌ای از خطوط راهنما می‌داند که تصمیم‌گیری‌های یک سازمان را درخصوص تشخیص، کسب، توسعه، ذخیره‌سازی، مدیریت، بازیابی و به‌کارگیری دانش خود شکل می‌دهد. همچنین راهبرد(های) مدیریت دانش، که هدف اصلی آن بالفعل‌ساختن مدیریت دانش در سازمان است، مسیر کلی اعمال مدیریت بر دانش‌های جدید را برای جریان آگاهانه و هدفمند به داخل سازمان و طی چرخه جریان دانش مشخص می‌کند. راهبردهای مدیریت دانش باید طی سلسله‌مراتبی به راهبردهای خلق دانش، تشریک دانش، ذخیره‌سازی دانش، به‌کارگیری دانش، حفاظت و امنیت دانش و غیره تبدیل شوند. تمامی سازمان‌ها به اتخاذ راهبردهای مناسب برای اجرای موفقیت‌آمیز مدیریت دانش نیازمندند؛ بنابراین راهبرد مدیریت دانش مسیر حرکت به‌سمت اهداف سازمان را مشخص می‌کند (Sharifzadeh and Budlaei, 2008). به بیان دیگر، اجرای هر تلاشی در زمینه مدیریت دانش باید در راستای جهت‌گیری‌های آتی سازمان و اهداف آن حرکت کند (Rezaeeyan et al., 2010).

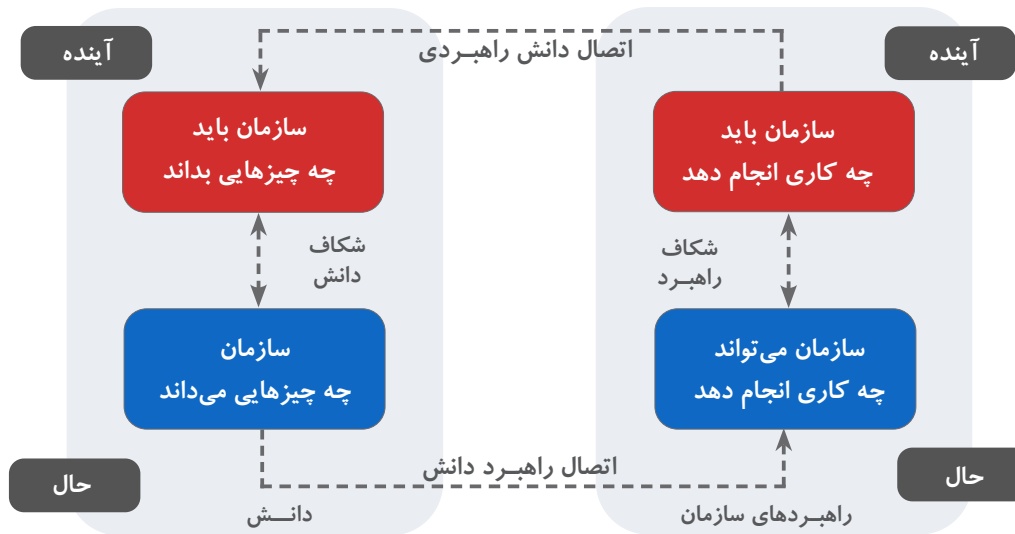
از منظر زاک، راهبرد دانش به شکل خاص به راهبرد کسب‌وکار سازمان اشاره دارد که منابع و قابلیت‌های دانشی آن سازمان را نیز در نظر دارد. این راهبرد شامل کمبودها و مازادهای دانش است که از طریق پیاده‌سازی راهبرد مدیریت دانش آن‌ها را مدیریت می‌کند تا عملکرد سازمان را ارتقا دهد. کالاهان^۳ (2002) پس از ذکر این تفاوت از دیدگاه زاک، بیان می‌کند که از دیدگاه عملی تفاوت‌گذاری میان راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش لزومی ندارد؛ زیرا در عمل، مشکل می‌توان میان شناسایی دانش مهم برای سازمان و پیاده‌سازی برنامه‌های دانشی برای پرکردن شکاف‌های دانشی تمایز قائل شد (Akhavan and Bagheri, 2010). آنچه بدیهی به نظر می‌رسد این است که میان راهبردهای مدیریت دانش و راهبرد (دانش) کلان سازمان‌ها باید تعاملی دوسویه و هم‌افزا برقرار کرد؛ هرچند پیوند میان مدیریت دانش و راهبردهای کسب‌وکار یا همان راهبردهای دانش در دوره اخیر در سازمان‌ها در عمل به فراموشی سپرده شده است. همچنین برخی صاحب‌نظران میان راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش تفاوت قائل شده‌اند. نکته تأمل‌برانگیز این است که پژوهش‌های

1. Knowledge Strategy

2. Kasten

3. Callahan

4. Web of Science (WOS)



شکل ۱: ارتباط میان تحقق اهداف راهبردی و وضعیت دانشی سازمان (Zack, 1999)

سازمان را کاهش دهند، هزینه‌ها را با افزایش صرفه‌جویی‌های ناشی از کسب اطلاعات از منابع خارجی کاهش دهند، بهره‌وری را با در دسترس قراردادن سریع‌تر و آسان‌تر دانش افزایش دهند و رضایت کارکنان را با توانمندسازی و توسعه فردی بیشتر فراهم کنند، اما شاید مهم‌ترین علت برای اجرای راهبرد مدیریت دانش کسب مزیت رقابتی در بازار باشد. انواع گوناگونی از نقشه‌های علمی را می‌توان ترسیم کرد و ساختار حوزه‌ای علمی را با آن نشان داد. برخی از نقشه‌ها بر پایه روابط هم‌استنادی و برخی براساس هم‌رخدادی واژه‌ها شکل می‌گیرند. با مقایسه نقشه‌های حاصل در دوره‌های زمانی گوناگون، پویایی علم ردیابی می‌شود (Salemi and Koosha, 2014). فرایند ترسیم نقشه‌های موضوعی علوم مبتنی بر نظر شیفرین و بورنر^۲ (2004) شامل شش مرحله است که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

نخستین گام در هر فرایند نگاشت یا ترسیم نقشه استخراج اطلاعات مناسب است. در این مرحله، راهبردهای متنوع جست‌وجو کاربرد دارند؛ اما مهم‌ترین نکته این است که کیفیت نقشه‌های ترسیم‌شده به صورت مستقیم وابسته به اطلاعاتی است که مبنای کار قرار می‌گیرند. تعداد مدارک به‌کاربرده شده برای ترسیم نقشه‌ها می‌توانند از چندصد مدرک تا چندین هزار مدرک باشند. گام دوم انتخاب واحدهای تحلیل است و به سؤالی بستگی دارد که درصدد پاسخ‌گویی به آن هستیم. رایج‌ترین واحدها برای ترسیم نقشه‌ها نوشته‌ها هستند که عبارت‌اند از مجله‌ها، مدارک، نویسندگان، واژگان و اصطلاحات توصیفگر. هریک از این واحدها جنبه‌ای متفاوت را از حوزه مطالعه‌شده نشان می‌دهند و انواع متعدد تحلیل را فراهم می‌آورند. در گام سوم واژه‌های فنی بسیاری به‌منزله

۱. مبانی نظری

راهبرد دانش، به‌منزله جزئی از راهبرد اصلی سازمان، میان جهت‌گیری‌های راهبردی سازمان، ساختارها و فعالیت‌های دانشی آن اتصال و ارتباط برقرار می‌کند. در نتیجه، راهبرد دانش سازمان‌ها از طریق فرایندهای خلق، تسهیم و کاربرد دانش در پرکردن شکاف و پشتیبانی از راهبرد رقابتی سازمان تأثیر بسزایی دارد (Rezaeeyan et al., 2010). راهبرد دانش عاملی مهم برای سازمان است تا بتواند منابع و توانایی‌های خود را برای دستیابی به اهداف راهبردی‌اش سازمان‌دهی کند (Perçin, 2010). بنابراین راهبرد دانش روش ویژه‌ای برای بهینه‌سازی خلق و تبدیل دانش به مزیت رقابتی در سازمان است. از دیدگاه زاک^۱ (1999) نیز راهبرد دانش برای پرکردن شکاف میان دانش موجود و دانش لازم تدوین می‌شود (شکل ۱). در کل هدف راهبرد دانش پاسخ‌گویی به سؤال‌های راهبردی است که بر هوشمندی رقابتی و نظام‌های بازایی دانش داخلی تأکید دارد (Keshtkar and Narimani, 2013).

پس از شناسایی حوزه‌های دانش راهبردی، نقشه‌ای از آن‌ها تهیه و براساس راهبردهای مدیریت دانش اقدامات لازم برای دستیابی به آن‌ها صورت می‌گیرد. مجموعه عملیات و فعالیت‌های سازمان در پرتو راهبرد مدیریت دانش موجب می‌شود نظام مدیریت دانش به صورت مؤثر و کارآمد عمل کند، به فرهنگ سازمان ملحق شود و در راستای حمایت از سازمان به کارکرد مؤثر خود ادامه دهد (Tectem, 2001). اجرای راهبرد مدیریت دانش مزایای فراوانی را برای سازمان‌ها به همراه دارد. سازمان‌ها می‌توانند زیان مربوط به سرمایه معنوی ناشی از جدایی برخی از کارکنان

مشترک نیستند اشاره کرد (Ahmadi and Osareh, 2017). ترسیم نقشه‌های علمی تنها هدف نیست، بلکه پس از ترسیم نقشه‌های مدنظر باید تحلیل و تفسیر آن‌ها را انجام داد که مرحله‌ای بسیار مهم است. به‌منظور تفسیر نقشه‌های علمی می‌توان از فنون تحلیل شبکه‌های اجتماعی^{۱۳} استفاده کرد؛ زیرا نقشه‌های علمی ساختاری مشابه شبکه‌های اجتماعی دارند. تحلیل شبکه‌های اجتماعی شاخه‌ای از جامعه‌شناسی است که به مطالعه شبکه‌ها می‌پردازد و شاخص‌های متفاوتی را برای تعیین گره‌ها یا عوامل مهم و مرکزی در شبکه پیشنهاد می‌کند (Shekofteh and Hariri, 2013). در واقع صرف به‌نمایش گذاشتن یک نقشه جذاب علمی کمکی به پیشبرد حوزه نمی‌کند و تحلیل درست نقشه است که مسیر درست را پیش روی پژوهشگران قرار می‌دهد و راه را برای پژوهش‌های علمی آینده هموار می‌کند.

۲. پیشینه پژوهش

۲-۱. پیشینه پژوهش در داخل

احمدی و کزکی (2015) طی پژوهشی به شناخت پیوند و مرز میان حوزه مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش پرداختند. آنان با استفاده از نرم‌افزار ووس‌ویور^{۱۴} نقشه‌های مفاهیم مدیریت دانش و مدیریت اطلاعات را ترسیم کردند. نتایج پژوهش آنان نشان داد که در حوزه مدیریت اطلاعات، ۱۲۳ کلیدواژه و در حوزه مدیریت دانش، ۲۳۰ کلیدواژه مفاهیم اصلی مقاله‌ها بودند و از این میان فقط ۸ کلیدواژه مرز مشترک آن‌ها را تشکیل می‌دادند. از دیگر نتایج این پژوهش، کشف رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به‌منزله مرز مشترک این دو حوزه بود. نجفی و همکاران (2017) در پژوهشی به بررسی ساختار علمی و نقشه دانشی پژوهش‌های مدیریت دانش در پایگاه اسکوپوس پرداختند و نشان دادند که به‌ترتیب بیشترین میزان ارتباط مدیریت دانش با حیطه‌های علمی علوم رایانه ۳۲/۵ درصد، تجارت و مدیریت و حسابداری ۱۴/۵ درصد، علوم مهندسی ۷/۱۳ درصد، علوم تصمیم‌گیری ۱۲/۶ درصد، ریاضیات ۷/۰۷ درصد و علوم اجتماعی ۶/۶۳ درصد است. بیشترین کلیدواژه‌های همکار با مدیریت دانش در پژوهش‌های دیگر کشورها به‌ترتیب تعامل انسان و رایانه، مدیریت اطلاعات، مدیریت نظام‌ها، فناوری اطلاعات، صنعت، اکتساب دانش، معناشناسی،^{۱۵} انتقال دانش، آنتولوژی و بازیابی اطلاعات است. بیرانوند و همکاران (2019) با استفاده از فن هم‌واژگانی، ساختار فکری دانش در مطالعات حوزه تجاری‌سازی دانش را با استفاده از رویکردهای تحلیل شبکه و دیداری‌سازی علم مطالعه

شاخص‌های شناسایی شباهت میان مقاله‌ها به‌کار برده می‌شوند. این واژه‌ها از پیشوندهای Co و Inter ساخته شده‌اند، واژه‌هایی از قبیل «Co-Word»، «Co-Citation»، «Co-Word»، «Co-Citation».

شباهت‌های بین مدارک (واحد‌ها) معمولاً با روش‌های متفاوتی محاسبه می‌شوند که رایج‌ترین آن‌ها ارتباطات استنادی یا ارجاعی^۱، شباهت‌های هم‌رخدادی^۲ و مدل بردار فضایی^۳ است. روش‌های دسته‌بندی متنوعی با توجه به کاربرد هر یک در ترسیم نقشه‌ها وجود دارند که مهم‌ترین آن‌ها تجزیه مقدار ویژه/ بردار ویژه^۴، تحلیل عاملی^۵، مقیاس‌بندی چندبعدی^۶، تحلیل معنایی نهفته^۷، تحلیل خوشه‌ای^۸ و مثلث‌بندی^۹ هستند. آخرین مرحله استفاده از فنون نمایش اطلاعات در قالب بصری است. نمایش به تمامی روش‌های مصورسازی اطلاعات گفته می‌شود که در راستای جست‌وجو و پیمایش اثربخشی فضاها گسترده اطلاعاتی‌اند. از جمله این روش‌ها می‌توان به انواع روش‌های پالایش‌کردن اطلاعات،^{۱۰} انواع روش‌های بزرگ‌نمایی^{۱۱} و تغییر زاویه دید^{۱۲} اشاره کرد (Ramezani et al., 2014).

تحلیل هم‌رخدادی شیوه‌ای از تحلیل محتواست که از طریق هم‌رخدادی واژه‌ها با مفاهیم در متون و مدارک عمل می‌کند و از طریق آن می‌توان مفاهیم اصل زمینه یا حوزه‌ای علمی را شناخت و به‌واسطه این شناخت، الگوها و رویدادهای مفهومی حوزه، ترسیم ساختار علمی، شبکه مفهومی، روابط سلسله‌مراتبی مفاهیم و مقولات مفهومی را کشف و در مدیریت حوزه به‌کار برد. به سخن دیگر، تحلیل هم‌رخدادی واژگان ابزاری برای کشف الگوهای پنهان و رویدادهای نوظهور مفهومی است. در تحلیل هم‌رخدادی واژگان محدودیت‌هایی نیز وجود دارد که چنانچه به آن‌ها توجه نشود، تحلیل‌های مدنظر دچار مشکل می‌شود. از جمله این محدودیت‌ها می‌توان به کیفیت واژگان منتخب (توجه‌نکردن به محل استخراج واژگان در مدرک، مسائل زبانی واژگان، ترکیب واژگان، ارتباط معنایی واژگان و تأثیر نمایه‌سازی) در حوزه مدنظر و به‌کارگیری این روش در حوزه‌هایی که از لحاظ واژگان و مفاهیم

1. Citation Linkages
2. Co-occurrence Similarities
3. Vector Space Model
4. Eigen value/ Eigenvector Decomposition
5. Factor Analysis
6. Multidimensional Scaling
7. Latent Semantic Analysis
8. Cluster Analysis
9. Triangulation
10. Filtering
11. Zooming
12. Distortion

13. Social Network Analysis

14. VOSviewer

15. Semantic

سازمانی مرتبط می‌شود».

۳-۲. جمع‌بندی از مرور پیشینه

با مرور پیشینه‌ها به نظر می‌رسد در حوزه‌های مرتبط با مدیریت دانش انواع مطالعات علم‌سنجی نظیر استفاده از روش تحلیل هم‌رخدادی واژگان و فنون تحلیل شبکه‌های اجتماعی به‌منظور ترسیم ساختار حوزه‌های فوق‌رو به فزونی است. همان‌طور که بررسی پیشینه‌ها نیز نشان داد، تاکنون پژوهش علم‌سنجی مستقلاً از مفاهیم تخصصی راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش به روش هم‌واژگانی انجام نشده است. این پژوهش درصدد است با نگاهی تحلیلی خوشه‌های موضوعی حوزه‌های موردنظر را به کمک روش هم‌واژگانی شناسایی و ترسیم کند و میزان کارایی این روش را در مقایسه دو حوزه فوق و شناسایی و تعیین اولویت‌های پژوهشی هریک از این حوزه‌ها مشخص کند.

۳. روش شناسی

پژوهش حاضر از نوع توصیفی - کاربردی است که با رویکرد علم‌سنجی انجام شده است. جامعه آماری پژوهش حاضر را تمامی آثار علمی مرتبط با موضوعات راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش در وبگاه علم از سال ۱۹۰۰ تا ۲۰۲۰ تشکیل می‌دهند. با توجه به هدف این پژوهش، به‌منظور بازیابی رکوردی مرتبط، پس از بررسی اصطلاح‌نامه‌های مرتبط و همچنین مشورت با متخصصان مدیریت دانش، اصطلاحات «راهبرد دانش» و «راهبرد مدیریت دانش» به‌صورت زیر جست‌وجو و داده‌های آن‌ها جداگانه دریافت شد.

(TS="knowledge strategy") OR (TS=" knowledge strategies")
حوزه راهبرد دانش

(TS="knowledge management strategy") OR
(TS="knowledge management strategies") OR
(TS="km strategy") OR (TS="km strategies")

حوزه راهبرد مدیریت دانش

پس از بازیابی رکوردی مرتبط و یکپارچه‌سازی داده‌ها، براساس اهداف و پرسش‌های پژوهش، داده‌ها با استفاده از نرم‌افزارهای هیست‌سایت^۳، اکسل^۴ و گفی^۵ تجزیه و تحلیل شدند. برای ترسیم نقشه‌های دانش از نرم‌افزار ووس‌ویور استفاده شد. شایان ذکر است، در مرحله اولیه تعداد کلیدواژه‌های به‌دست‌آمده از آثار حوزه راهبرد دانش ۱۷۲۰ و تعداد کلیدواژه‌های آثار حوزه راهبرد مدیریت دانش ۲۰۱۸ بود، اما از آنجاکه یکدست‌سازی

کردند. نتایج نشان داد از نظر فراوانی، کلیدواژه‌های «انتقال دانش»، «انتقال فناوری»، و «نوآوری»، و از نظر هم‌رخدادی، زوج‌های کلیدواژه‌های «مدیریت دانش و انتقال دانش»، «نوآوری و انتقال فناوری»، و «نوآوری و انتقال دانش» بیشترین فراوانی را در مطالعات صورت‌گرفته در حوزه تجاری‌سازی دانش داشته‌اند. علاوه‌بر مؤلفه‌های کاربردی در راهبرد جست‌وجو، موضوعات دیگری از قبیل «ارتباط دانش و صنعت»، «مدیریت دانش»، «حقوق مالکیت معنوی»، «تحقیق و توسعه»، و «کارآفرینی» در پژوهش‌های این حوزه شناخته شد.

۲-۲. پیشینه پژوهش در خارج

هان^۱ و همکاران (2014) با استخراج کلیدواژه‌های پرتکرار حوزه کشف دانش از ۳۷۲ مقاله چاپ‌شده در مجله‌های هسته این موضوع در بازه زمانی ۱۹۹۲ تا ۲۰۱۳، با استفاده از تحلیل عاملی و تحلیل خوشه‌ای، تحلیل هم‌رخدادی واژگان را انجام دادند. نتایج پژوهش آن‌ها به شناسایی موضوعات پژوهشی نظیر کشف دانش براساس پژوهش‌های داده‌ای، پژوهش‌های بهینه‌سازی الگوریتم‌های کشف دانش، مدل کشف دانش و مطالعات پیشینه‌ای، مدیریت دانش بر مبنای هستی‌شناسی، پژوهش‌های ساخت نظام‌های خبره، و پژوهش‌های کاربردی کشف دانش منجر شد. صدیقی و جلال‌منش (2017) نقشه روندهای پژوهشی در حوزه مدیریت دانش مبتنی بر داده‌های وبگاه علم را ترسیم کرده‌اند. تحلیل هم‌رخدادی واژگان نشان داد ساختار زمینه‌های موضوعی اساسی در حوزه مدیریت دانش در سال‌های ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۰ تغییر و گسترش یافته است. اخوان و همکاران (2016) نیز در پژوهشی روندهای اصلی در ادبیات پژوهشی مدیریت دانش را از ۱۹۸۰ تا ۲۰۱۴ بررسی کردند. آن‌ها تحلیل‌های علم‌سنجی و متن‌کاوی را روی نمونه‌ای از ۵۰۰ مقاله پراستناد به‌کار بستند تا عامل تأثیر تعداد مؤلفان، ارجاعات، صفحه‌ها و کلیدواژه‌ها را روی تعداد استنادهایی که دریافت کرده‌اند بررسی کنند. سیلوا^۲ و همکاران (2017) در پژوهشی به تحلیل منابع منتشرشده در وبگاه علم در زمینه مدیریت دانش راهبردی، نوآوری و رقابت‌پذیری سازمان‌ها پرداختند. خوشه‌های موضوعی شناسایی‌شده عبارت‌اند از: «دانش و رقابت‌پذیری برای سازمان‌ها مانند قابلیت آن‌ها برای بهبود رقابت‌پذیری است و به خلق ارزش برای سازمان منجر می‌شود»، «دانش و مدیریت نوآوری، که به دانش به‌عنوان مروج خلاقیت در اصول و ارزش‌افزوده در عمل اشاره می‌کند» و درنهایت «سرمایه فکری، جایی که سازمان روی این موضوع تأکید می‌کند که چگونه مدیریت دانش روی بهره‌وری تأثیر می‌گذارد و با موفقیت هر

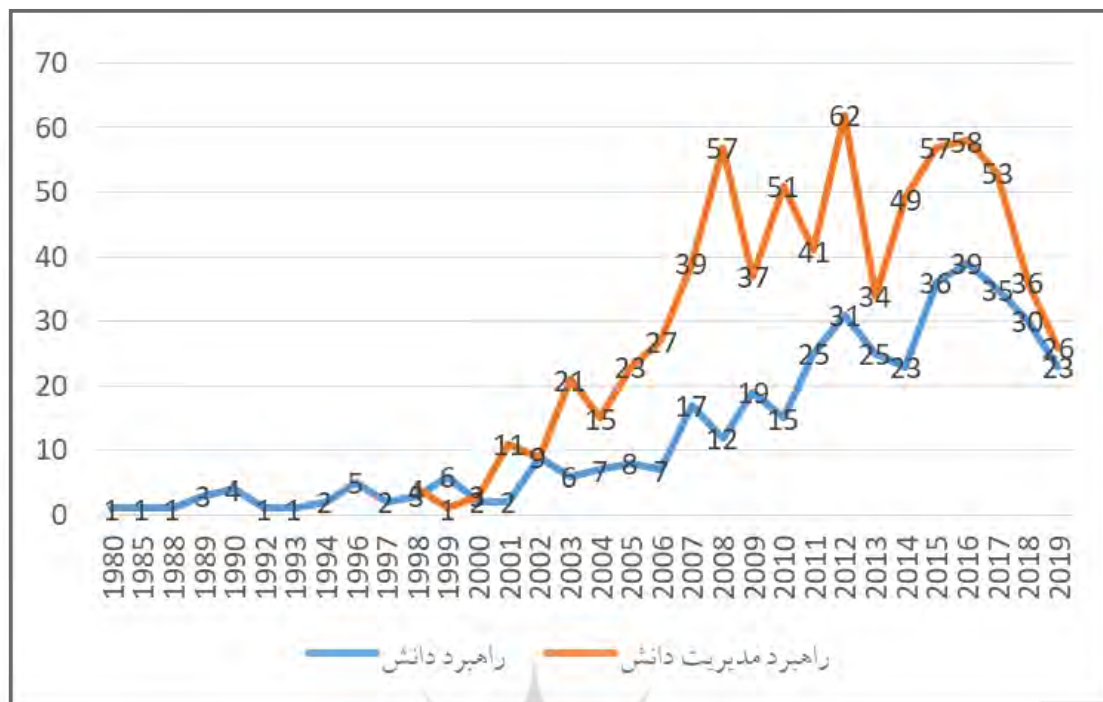
3. Histcite

4. Excel

5. Gephi

1. Han

2. Silva



نمودار ۱: روند تولیدات علمی حوزه‌های راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش به تفکیک سال

از نظر میزان استناد به‌طور متوسط هر اثر در حوزه راهبرد مدیریت دانش ۱۲/۱۹ استناد دریافت کرده است. همچنین شاخص اچ آثار این حوزه در وبگاه علم ۴۰ است. اطلاعات مربوط به روند تولیدات علمی این دو حوزه در قالب نمودار ۱ آمده است.

براساس نمودار ۱، تعداد تولیدات علمی حوزه راهبرد دانش، که از سال ۱۹۸۰ با یک اثر آغاز شد، تقریباً روند صعودی داشته است، به طوری که سال ۲۰۱۶ با ۳۹ اثر بیشترین تولیدات علمی این حوزه را به خود اختصاص داده است. همچنین روند رشد تولیدات علمی در حوزه راهبرد دانش در سال‌های ۲۰۰۱-۲۰۰۲ با رشد ۳۰ درصد سیر صعودی چشمگیری داشته است و بیشترین میزان رشد آثار این حوزه مربوط به این سال‌هاست. همچنین تعداد تولیدات علمی حوزه راهبرد مدیریت دانش، که از سال ۱۹۹۸ با چهار اثر آغاز شد، نیز تقریباً روند صعودی داشته است؛ به طوری که سال ۲۰۱۲ با ۶۲ اثر بیشترین تولیدات علمی این حوزه را از ابتدا تاکنون به خود اختصاص داده است. همچنین سال‌های ۲۰۰۰-۲۰۰۱، با رشد ۲۶۶ درصد، بیشترین میزان رشد آثار حوزه راهبرد مدیریت دانش را به خود اختصاص داده‌اند. در ادامه در نمودار ۲، اطلاعات مربوط به نمره استناد جهانی^۲ آثار این دو حوزه به تفکیک سال آمده است.

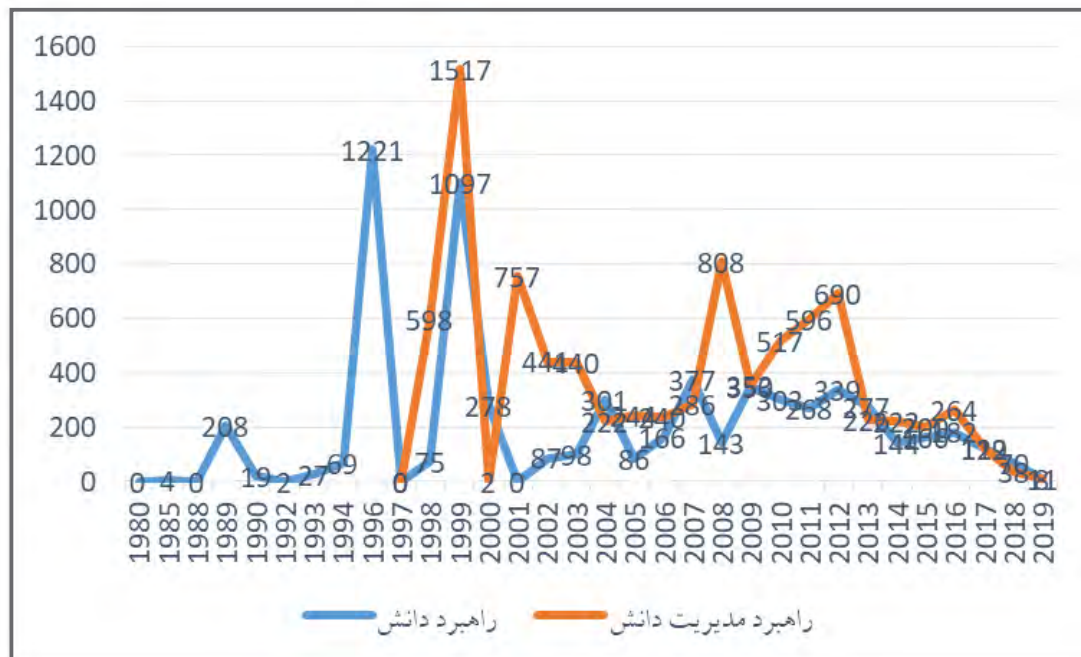
همان‌طور که در نمودار ۲ مشخص است، آثار راهبرد دانش هرچند از لحاظ دریافت استناد در حدود دو دهه پیش‌تر از

کلیدواژه‌ها ضروری است، از طریق ساخت اصطلاح‌نامه کلیدواژه‌های مشابه، یکسان، مشابه، و حالت‌های جمع و مفرد ادغام و کلیدواژه‌های غیرتخصصی حذف شدند؛ بنابراین تعداد کلیدواژه‌های حوزه راهبرد دانش با حداقل پنج هم‌رخدادی به ۷۹ کلیدواژه و کلیدواژه‌های حوزه راهبرد مدیریت دانش به ۱۳۲ کلیدواژه رسید.

۴. یافته‌های پژوهش

پاسخ به سؤال اول پژوهش. ساختار مطالعات مرتبط با راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش از جنبه‌های گوناگونی مانند قالب اثر، زبان، کشورها، مؤسسات و پژوهشگران مشارکت‌کننده، حوزه‌های پژوهشی دخیل و استنادکننده و نشریات چگونه است؟

با جست‌وجو در وبگاه علم در تاریخ ۱۳۹۹/۳/۱، مشخص شد از ۵۶ کشور جهان ۴۰۴ مدرک با موضوع راهبرد دانش در ۳۲۸ نشریه به‌دست ۹۳۳ نویسنده نمایه شده‌اند که اطلاعات مربوط به ویژگی‌های پنج رتبه برتر آثار این حوزه در ادامه آمده است. به‌طور متوسط هر اثر مرتبط، ۱۶/۰۶ استناد دریافت کرده است. همچنین شاخص اچ^۱ آثار این حوزه در وبگاه علم ۳۶ است. همچنین ۷۲۰ مدرک با موضوع راهبرد مدیریت دانش در ۴۶۴ نشریه به‌دست ۱۴۸۴ نویسنده از ۵۶ کشور جهان در وبگاه علم نمایه شده‌اند.



نمودار ۲: روند نمره استاندارد جهانی حوزه‌های راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش به تفکیک سال

در مجموع آثار حوزه راهبرد مدیریت دانش استنادات بیشتری را دریافت کرده‌اند. بیشترین استنادات جهانی حوزه راهبرد دانش مربوط به سال ۱۹۹۶ با ۱۲۲۱ استناد و حوزه راهبرد مدیریت دانش مربوط به سال ۱۹۹۹ با ۱۵۱۷ استناد است. در مورد اخیر، نکته جالب دریافت ۱۵۱۷ استناد از یک مقاله با عنوان «What's Your Strategy For Managing Knowledge?» است که هانس^۱ و همکارانش در نشریه هاروارد بیزنس ریویو^۲ در سال ۱۹۹۹ منتشر کردند. در ادامه، جدول ۱ روند انتشارات تولیدات علمی، قالب و زبان آثار تولیدی، کشورها، نویسندگان، مؤسسات و نشریات برتر، حوزه‌های پژوهشی تولیدکننده و همچنین حوزه‌های پژوهشی استنادکننده برتر به آثار حوزه راهبرد دانش در وبگاه علم را نشان می‌دهد.

جدول ۱: پنج رتبه برتر آثار علمی حوزه راهبرد دانش از نظر ویژگی‌های گوناگون

رتبه اول (تعداد رکورد، درصد)	رتبه دوم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه سوم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه چهارم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه پنجم (تعداد رکورد، درصد)	ویژگی آثار علمی
۲۰۱۶ (۹/۷، ۳۹)	۲۰۱۵ (۸/۹، ۳۶)	۲۰۱۷ (۸/۷، ۳۵)	۲۰۱۲ (۷/۷، ۳۱)	۲۰۱۸ (۷/۴، ۳۰)	سال انتشار
مقاله (۵۱/۷، ۲۰۹)	مقاله کنفرانس (۳۱/۷، ۱۲۸)	نقد (۵، ۲۰)	مقاله؛ فصل کتاب (۴/۲، ۱۷)	نقد کتاب (۲، ۸)	قالب (نوع)
انگلیسی (۹۵/۳، ۳۸۵)	آلمانی و اسپانیایی (۱، ۴)	فرانسوی و پرتغالی (۰/۷، ۳)	روسی (۰/۵، ۲)	ایتالیایی، کره و اسلواکی (۰/۲، ۱)	زبان
ایالات متحده (۱۸/۳، ۷۴)	چین (۹/۲، ۳۷)	انگلیس (۸/۹، ۳۶)	استرالیا (۵/۹، ۲۴)	رومانی (۵، ۲۰)	کشور
(۲/۵، ۱۰) Bratianu	(۱/۲، ۵) Bolisani	(۱، ۴) Bejinaru, Cheng, Garcia-Villaverde, Martinez-Perez	(۰/۷، ۳) Ahn, Chan, ...	(۰/۵، ۲) Ahmad, AlAmmary	نویسنده (میزان تولید)
(۱۸/۲۶، ۵۹) Bierly	(۱۷/۳، ۵۶) Zack	(۱۲/۶، ۴۱) Chakrabarti	(۵/۸، ۱۹) Bratianu	(۰/۲، ۱۳) Daly	نویسنده (میزان استناد محلی)

رتبه پنجم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه چهارم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه سوم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه دوم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه اول (تعداد رکورد، درصد)	ویژگی آثار علمی
(۰/۷، ۳) Royal Mil Coll Canada, Hanyang Univ, ...	(۱/۰، ۴) Columbia Univ, Griffith Univ, ...	(۱/۵، ۶) Univ Castilla La Mancha, Wuhan Univ Technol	(۱/۷، ۷) Bucharest Univ Econ Studies	(۲، ۸) Univ Padua	مؤسسه (میزان تولید)
(۵/۲، ۱۳) Univ Melbourne	(۶/۸، ۱۷) Bucharest Univ Econ Studies	(۷/۲، ۱۸) James Madison Univ	(۱۸/۵، ۴۶) New Jersey Inst Technol	(۲۲/۵، ۵۶) Northeastern Univ	مؤسسه (میزان استناد محلی)
(۰/۷، ۳) GLOBAL STRATEGY JOURNAL, JOURNAL OF BUSINESS RE- SEARCH, ...	(۱/۰، ۴) EXPERT SYSTEMS WITH APPLICA- TIONS	(۱/۲، ۵) PROCEED- INGS OF THE 13TH and 16TH EUROPE- AN CONFERENCE ON KNOWLEDGE MANAGEMENT (ECKM)	(۲/۵، ۱۰) JOURNAL OF KNOWLEDGE MANAGEMENT	(۲/۷، ۱۱) KNOWLEDGE MANAGEMENT RESEARCH & PRACTICE	نشریه
پژوهش آموزشی آموزش و پرورش ^۵ (۹/۹، ۴۰)	مهندسی ^۵ (۱۱/۶، ۴۷)	علم رایانه ^۴ (۱۴/۸، ۶۰)	علم اطلاعات، علم کتابداری ^۳ (۱۵/۸، ۶۴)	اقتصاد کسب و کار ^۲ (۴۴/۸، ۱۸۱)	حوزه پژوهشی دخیل
مهندسی (۹/۰، ۵۰۱)	پژوهش آموزشی آموزش و پرورش (۹/۳، ۵۱۷)	علم رایانه (۹/۶، ۵۳۰)	روان‌شناسی ^۷ (۱۰/۱، ۵۵۹)	اقتصاد کسب و کار (۴۵/۱، ۲۴۸۸)	حوزه پژوهشی استنادکننده

بر اساس جدول ۱، بیشترین تولیدات علمی حوزه راهبرد دانش مربوط به سال ۲۰۱۶ است. کشور ایالات متحده بیشترین مشارکت را در تولید آثار علمی این حوزه داشته است و Bierly و Bratianu به ترتیب بیشترین تولیدات و بیشترین استنادها را به خود اختصاص داده‌اند. همچنین مؤسسات Univ Padua و Northeastern Univ به ترتیب از نظر میزان تولید علم و دریافت استناد مطرح‌اند.

حوزه اقتصاد کسب و کار، در میان ۷۲ حوزه علمی مشارکت‌کننده، نیز بیشترین سهم را در تولید آثار این حوزه دارد. در ادامه، در جدول ۲ روند انتشارات تولیدات علمی، قالب آثار، کشورها، نویسندگان، مؤسسات و نشریات برتر، حوزه‌های پژوهشی دخیل در تولید آثار حوزه راهبرد مدیریت دانش و همچنین حوزه‌های پژوهشی استنادکننده برتر در وبگاه علم آمده است.

جدول ۲: پنج رتبه برتر آثار علمی حوزه راهبرد مدیریت دانش از نظر ویژگی‌های گوناگون

رتبه پنجم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه چهارم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه سوم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه دوم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه اول (تعداد رکورد، درصد)	ویژگی آثار علمی
(۷/۱، ۵۱) ۲۰۱۰	(۷/۴، ۵۳) ۲۰۱۷	۲۰۱۵ و ۲۰۰۸ (۷/۹، ۵۷)	(۸/۱، ۵۸) ۲۰۱۶	(۸/۶، ۶۲) ۲۰۱۲	سال انتشار
مقاله؛ دسترسی زود (۰/۸، ۶)	مقاله؛ مقاله کنفرانس (۲/۸، ۲۰)	مقاله؛ فصل کتاب (۴/۶، ۳۳)	مقاله (۴۲/۱، ۳۰۳)	مقاله کنفرانس (۴۷/۴، ۳۴۱)	قالب (نوع)
آلمانی (۰/۳، ۲)	پرتغالی (۰/۶، ۴)	چینی (۰/۸، ۶)	اسپانیایی (۱/۱، ۸)	انگلیسی (۹۷/۲، ۷۰۰)	زبان
اسپانیا (۳/۹، ۲۸)	ایران و مالزی (۴/۰، ۲۹)	استرالیا (۶/۰، ۴۳)	انگلیس و ایالات متحده (۱۰/۳، ۷۴)	چین (۱۲/۸، ۹۲)	کشور

1. Local Citation Score (LCS)
3. Information Science Library Science
5. Engineering
7. Psychology

2. Business Economics
4. Computer Science
6. Education Educational Research

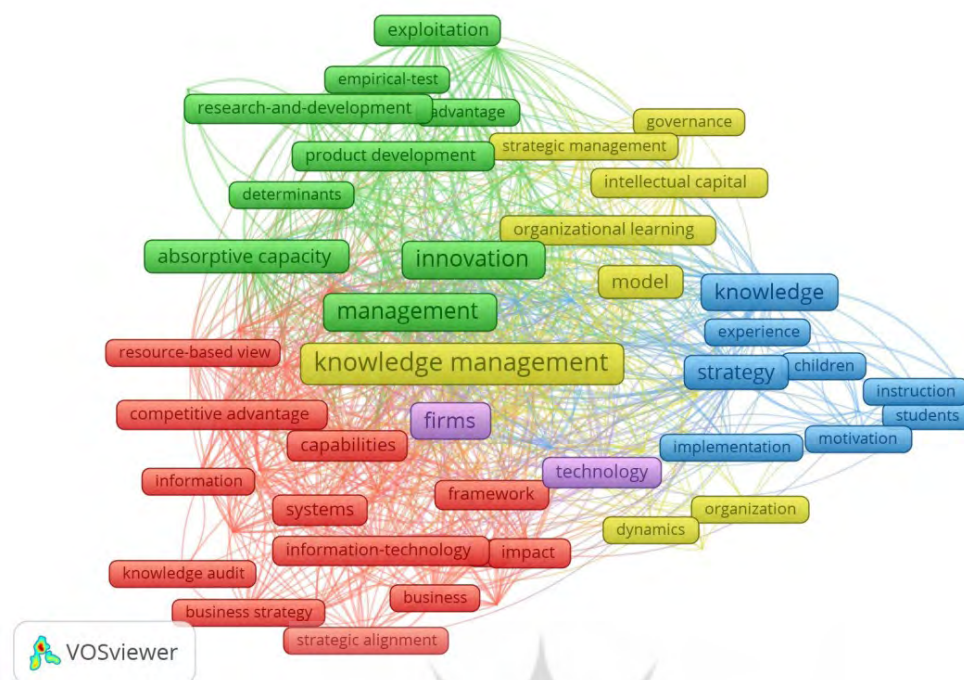
رتبه اول (تعداد رکورد، درصد)	رتبه دوم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه سوم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه چهارم (تعداد رکورد، درصد)	رتبه پنجم (تعداد رکورد، درصد)	ویژگی آثار علمی
(۹، ۱/۳) Grandinetti	(۶، ۰/۸) Sensuse	(۵، ۰/۷) Bolisani E, Chen	(۴، ۰/۶) Bettiol, Burstein	(۳، ۰/۴) Dalkir, Akhavan P, Cheng ECK	نویسنده (میزان تولید)
(۱۱۷، ۹/۹) Hansen, Nohria, and Tierney	(۳۸، ۳/۲) Earl	(۳۴، ۲/۹) Choi	(۳۲، ۲/۷) Wu	(۲۸، ۲/۴) Davis and Poon	نویسنده (میزان استاد محلی)
(۱۴، ۱/۹) Univ Padua	(۹، ۱/۳) Islamic Azad Univ	(۸، ۱/۱) Univ Teknol Malaysia	(۷، ۱/۰) Monash Univ & Univ Indonesia	(۶، ۰/۸) Hong Kong Pol- ytech Univ, Univ Tehran	مؤسسه (میزان تولید)
(۱۱۷، ۱۴/۰) ,Bain & Co Harvard Univ	(۳۸، ۴/۵) London Business Sch	(۳۲، ۳/۸) Ta Hwa Inst Technol	(۲۸، ۳/۳) Univ Sydney	(۲۱، ۲/۵) Natl Cheng Kung Univ	مؤسسه (میزان استاد محلی)
(۳۳، ۴/۶) JOURNAL OF KNOWLEDGE MANAGEMENT	(۳۰، ۴/۲) KNOWLEDGE MANAGEMENT RESEARCH & PRACTICE	(۱۳، ۱/۸) EXPERT SYSTEMS WITH APPLICATIONS	(۹، ۱/۳) PROCEEDINGS OF THE 13TH and 15TH EUROPEAN CONFERENCE ON KNOWLEDGE MANAGEMENT (ECKM)	(۸، ۱/۱) PROCEEDINGS OF THE 12TH and 17TH EUROPEAN CONFERENCE ON KNOWLEDGE MANAGEMENT (ECKM)	نشریه
اقتصاد کسب‌وکار (۳۸۷، ۵۳/۶)	علم رایانه (۲۱۴، ۲۹/۶)	علم اطلاعات و کتابداری (۱۸۰، ۲۴/۹)	مهندسی (۱۲۱، ۱۶/۷)	علم مدیریت پژوهش عملیاتی ^۱ (۸۳، ۱۱/۵)	حوزه پژوهشی دخیل
اقتصاد کسب‌وکار (۳۲۳۱، ۵۱/۱)	علم رایانه (۱۴۸۲، ۲۳/۴)	علم اطلاعات و کتابداری (۱۱۲۳، ۱۷/۷)	مهندسی (۱۰۸۹، ۱۷/۲)	علم مدیریت پژوهش عملیاتی (۵۷۴، ۹/۰)	حوزه پژوهشی استنادکننده

استخراج‌شده از وبگاه علم وارد نرم‌افزار ووس‌ویور شد. در ادامه تحلیل واژگان تولیدات حوزه راهبرد دانش پنج خوشه از واژگان و مفاهیم شناسایی شد. خوشه‌ها در جدول ۳ گزارش شده‌اند. شکل ۲ نیز نقشه مفاهیم آثار حوزه راهبرد دانش را نشان می‌دهد. بزرگی گره‌های نقشه علمی نشان‌دهنده کاربرد بیشتر آن مفاهیم در توصیف آثار و رنگ آن‌ها نشان‌دهنده خوشه مفاهیم است. ضمن اینکه در این نقشه دوری و نزدیکی کلیدواژه‌ها نشان می‌دهد که مفاهیم چه مقدار به همدیگر مرتبط‌اند.

با توجه به شکل ۲، مفاهیم متنوعی در حوزه راهبرد دانش در جهان مشاهده می‌شود که محصول آن تشکیل پنج خوشه موضوعی است. در ادامه، واژگان و مفاهیم مهم هر خوشه ذکر شده‌اند (جدول ۳).

براساس جدول ۲، بیشترین تولیدات حوزه راهبرد مدیریت دانش مربوط به سال ۲۰۱۲ بوده است و مؤسسات Univ Padua و Har- vard Univ به ترتیب از نظر تولید علم و دریافت استاد، بهترین عملکرد را داشته‌اند. همچنین Grandinetti بیشترین تولیدات این حوزه و Hansen, Nohria, and Tierney به‌طور یکسان بیشترین استادها را در وبگاه علم به خود اختصاص داده‌اند. همچنین حوزه اقتصاد کسب‌وکار در میان ۶۲ حوزه علمی مشارکت‌کننده، بیشترین مشارکت را در تولید آثار این حوزه داشته است.

پاسخ به سؤال دوم پژوهش. نقشه دانش حاصل از هم‌رخدادی واژگان مطالعات راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش کدام است؟ به‌منظور شناسایی و تحلیل شبکه هم‌رخدادی واژگان آثار حوزه‌های راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش، تمامی رکوردهای



شکل ۲: نقشه هم‌رخدادی واژگان آثار جهان در حوزه راهبرد دانش

جدول ۳: خوشه‌های تشکیل شده براساس هم‌واژگانی آثار جهان در حوزه راهبرد دانش

خوشه	واژگان
خوشه ۱	مدیریت دانش، مدل، یادگیری سازمانی، سرمایه فکری، مدیریت راهبردی، حکمرانی، پویایی
خوشه ۲	مدیریت، نوآوری، توسعه محصول، تحقیق و توسعه، آزمایش تجربی، ظرفیت جذب، مزیت، بهره‌برداری، عوامل تعیین‌کننده
خوشه ۳	مزیت رقابتی، دیدگاه منبع‌محور، قابلیت‌ها، نظام، اطلاعات، چارچوب، تأثیر، فناوری اطلاعات، ممیزی دانش، راهبرد کسب‌وکار، همسویی راهبردی
خوشه ۴	دانش، راهبرد، تجربه، آموزش، انگیزه، پیاده‌سازی
خوشه ۵	سازمان، فناوری

حوزه راهبرد مدیریت دانش را نشان می‌دهد. با توجه به شکل ۳ مفاهیم متنوعی در حوزه راهبرد مدیریت دانش در جهان مشاهده می‌شود که محصول آن تشکیل هشت خوشه موضوعی است. در ادامه، واژگان و مفاهیم مهم هر خوشه ذکر شده‌اند (جدول ۴).

مطابق جدول ۳، هریک از خوشه‌ها از مفاهیم متنوعی تشکیل شده‌اند. در ادامه نقشه واژگان آثار حوزه راهبرد مدیریت دانش آمده است. تحلیل هم‌رخدادی واژگان آثار این حوزه نیز به شکل‌گیری خوشه‌هایی منجر شده است که هریک از آن‌ها مفاهیمی دربردارد. خوشه‌ها در جدول ۴ گزارش شده‌اند. شکل ۳ نقشه مفاهیم آثار

جدول ۵: کلیدواژه‌های برتر حوزه راهبرد دانش براساس مرکزیت‌های درجه، نزدیکی و بینایی

مرکزیت بینایی	کلیدواژه	مرکزیت نزدیکی	کلیدواژه	مرکزیت درجه	کلیدواژه	رتبه
۸۴/۵	capabilities	۰	knowledge strategy	۸۷	knowledge strategy	۱
۵۶/۵	dynamic capabilities	۰	knowledge management	۷۹	knowledge management	۲
۴۷/۵	creation	۰	Innovation	۵۴	innovation	۳
۴۰	absorptive capacity	۰	Management	۵۳	management	۴
۳۹/۵	communities	۰	Performance	۵۲	performance	۵
۲۳	determinants	۰	Firms	۴۲	firms	۶
۱۹/۵	children	۰	knowledge	۴۰	knowledge	۷
۱۸/۵	competition	۰	strategy	۳۴	strategy	۸
۱۸	comprehension	۰	competitive advantage	۲۵	absorptive capacity	۹
۱۶	business	۰	dynamic theory	۲۳	capabilities	۱۰

که مجموع فاصله‌اش از گره‌های دیگر کمترین مقدار باشد مرکزیت نزدیکی بالاتر و قدرت نفوذ بالاتری در شبکه دارد. همان‌گونه که در جدول ۵ مشخص است، ۸ کلیدواژه‌ای که مرکزیت درجه بالاتری دارند مرکزیت نزدیکی پایینی دارند؛ یعنی علاوه بر اینکه کلیدواژه‌های اصلی حوزه راهبرد دانش به‌شمار می‌روند، قدرت نفوذ بالاتری نیز در شبکه دارند. در مرکزیت بینایی، گره‌ای که در مسیر عبور پیوند گره‌های بیشتری قرار بگیرد امتیاز بالاتری در شبکه خواهد داشت؛ یعنی گره‌ای که واسطه ارتباط گره‌های بیشتری باشد، تأثیر بیشتری نیز در جریان اطلاعات دارد و نمره مرکزیت بینایی بالاتری خواهد داشت. کلیدواژه «قابلیت‌ها»، با اختلاف بیشتری از سایر کلیدواژه‌ها، نشان می‌دهد که کلیدواژه مؤثری در حوزه راهبرد دانش است.

در حوزه راهبرد مدیریت دانش کلیدواژه‌های «مدیریت دانش» با مرکزیت درجه ۳۶۱ و سپس «راهبرد مدیریت دانش»، با اختلاف بسیاری از واژه‌های دیگر، اهمیت بسیار بالایی دارند. از نظر مرکزیت نزدیکی همه ده واژه برتر از نظر مرکزیت درجه، قدرت نفوذ بالایی نیز در شبکه دارند، به‌جز واژه «شرکت‌ها»؛ در عوض واژه «کسب‌وکار» مرکزیت نزدیکی کمی دارد و در شبکه، قدرت نفوذ بالایی دارد. از نظر مرکزیت بینایی نیز به‌ترتیب کلیدواژه‌های «کدگذاری»، «همکاری»، «کارت امتیازی متوازن»، «انجمن خبرگی»، «دانش آشکار»، «راهبرد سازمانی»، «شرکت‌ها»، «کسب و استخراج»، «فرهنگ» و «خلاقیت» کلیدواژه‌های مؤثر در شبکه‌اند.

زیاد، گره‌های مهمی به‌شمار می‌روند و نقش مؤثری در کارکرد درست شبکه‌های اجتماعی دارند. معمولاً سه معیار برای مرکزیت استفاده می‌شود: مرکزیت درجه^۱، مرکزیت نزدیکی^۲ و مرکزیت بینایی^۳. مرکزیت درجه یک گره نشان‌دهنده تعداد پیوندهای آن با سایر گره‌های موجود در شبکه است (Erfanmanesh and Arshadi, 2015; Abbasi et al., 2012). مرکزیت نزدیکی فاصله یک گره با گره‌های دیگر موجود در شبکه را می‌سنجد و میانگین طول کوتاه‌ترین مسیر را میان آن گره و سایر گره‌های موجود در شبکه نشان می‌دهد (Abbasi et al., 2012). مرکزیت بینایی یک گره به تعداد دفعاتی اطلاق می‌شود که آن گره در میان کوتاه‌ترین مسیرهای بین جفت گره‌ها قرار می‌گیرد. گره‌های با مرکزیت بینایی بالا در موقعیتی ممتاز نقش یک کارگزار یا دروازه‌بان را برای اتصال گره‌ها و گروه‌ها بازی می‌کنند و به‌منزله شاخص قدرت کنترل‌کننده مستقیم و غیرمستقیم جریان اطلاعات در شبکه‌اند (Hansen et al., 2010; Abbasi et al., 2012).

در میان کلیدواژه‌ها، دو واژه «راهبرد دانش» و «مدیریت دانش» به‌نسبت سایر واژه‌ها اختلاف مرکزیت درجه بیشتری دارند؛ یعنی این دو کلیدواژه از واژه‌های بسیار مهم و اساسی حوزه راهبرد دانش‌اند. مرکزیت نزدیکی به میزان فاصله گره‌ها از یکدیگر مربوط است. گره‌ای

1. Degree Centrality
2. Closeness Centrality
3. Betweenness Centrality

جدول ۶: کلیدواژه‌های برتر حوزه راهبرد مدیریت دانش براساس مرکزیت‌های درجه، نزدیکی و بینایی

مرکزیت بینایی	کلیدواژه	مرکزیت نزدیکی	کلیدواژه	مرکزیت درجه	کلیدواژه	رتبه
۴۶۹/۵	codification	.	knowledge management	۳۶۱	knowledge management	۱
۲۱۰/۵	collaboration	.	knowledge management strategy	۱۳۵	knowledge management strategy	۲
۱۸۵/۸۳۳۳	balanced score-card	.	innovation	۹۴	innovation	۳
۱۴۸	communities of practice	.	performance	۸۳	performance	۴
۱۲۸/۵	explicit knowledge	.	system	۷۰	system	۵
۱۰۶	corporate strategy	.	business	۶۰	firms	۶
۸۹/۴۱۶۶۷	firms	.	strategy	۵۹	strategy	۷
۸۸/۹۱۶۶۷	exploitation	.	management	۵۵	management	۸
۷۷/۸۳۳۳۳	culture	.	model	۵۰	model	۹
۷۱/۸۳۳۳۳	creation	.	knowledge sharing	۴۳	knowledge sharing	۱۰

میزان شباهت موضوعات حوزه راهبرد مدیریت دانش را به نسبت موضوعات حوزه راهبرد دانش نشان می‌دهد:

$$31 = (100534/1720) = Inc$$

همان‌گونه که از محاسبه شاخص دربردارندگی پیداست ۳۱ درصد از موضوعات راهبرد مدیریت دانش، در حوزه راهبرد دانش نیز حضور داشته‌اند. به زبان دیگر، حدود ۶۹ درصد از کلیدواژه‌های حوزه راهبرد مدیریت دانش کلیدواژه‌های متفاوتی‌اند.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف تحلیل و مقایسه مفاهیم راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش براساس آثار پژوهشی نمایه‌شده در وبگاه علم با تمرکز بر شاخص‌های علم‌سنجی انجام شد. یافته‌های پژوهش حاضر حاکی از آن است که دو مفهوم راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش از دیدگاه پژوهش از جنبه‌هایی تفاوت دارند و درعین حال از جوانب دیگری دارای شباهت‌اند. نتایج نشان می‌دهد روند رشد تولیدات علمی دو حوزه به‌صورت صعودی بوده است و آثار راهبرد دانش در حدود دو دهه پیش‌تازند، اما در مجموع تعداد تولیدات مربوط به راهبرد مدیریت دانش و همچنین تعداد استناد دریافتی این حوزه بیشتر بوده است. این موضوع نشان‌دهنده توجه بیشتر پژوهشگران به موضوع راهبرد

پاسخ به سؤال سوم پژوهش. میزان هم‌پوشانی زیرحوزه‌های موضوعی حوزه‌های راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش براساس شاخص دربردارندگی چه مقدار است؟

برای تشخیص میزان شباهت میان دو حوزه پژوهش از شاخص دربردارندگی (شمول) استفاده شد. برای محاسبه شاخص دربردارندگی دو گروه، ابتدا میزان اشتراک میان دو دسته با استفاده از نرم‌افزار اکسل محاسبه شد. بعد از تعیین میزان اشتراک دو گروه، با استفاده از فرمولی که در زیر به آن اشاره شده است، شاخص دربردارندگی محاسبه شد. شاخص دربردارندگی نشان می‌دهد که چه میزان از کلیدواژه‌های یک گروه یا دوره زمانی در گروه یا دوره زمانی دیگر به‌کار رفته است و به‌طورکلی میزان شباهت هر گروه یا دوره به نسبت گروه یا دوره دیگر تعیین می‌شود (Soheili et al., 2018).

$$100 \cdot \frac{\text{تعداد واژگان مشترک دو حوزه A و B}}{\text{تعداد واژگان حوزه B}} = Inc \text{ حوزه A به نسبت حوزه B}$$

تعداد کلیدواژه‌های حوزه راهبرد دانش ۱۷۲۰ و تعداد کلیدواژه‌های حوزه راهبرد مدیریت دانش ۲۰۱۸ کلیدواژه بود. همچنین تعداد کلیدواژه مشترک میان این دو حوزه شناسایی شد. فرمول زیر

و موضوعات هر خوشه نشان‌دهنده تفاوت‌های گرایش‌های پژوهشی این دو حوزه است (جدول ۳ و ۴). در میان پنج خوشه شناسایی شده در آثار حوزه راهبرد دانش، خوشه‌های ۱ و ۲، که مفاهیم تخصصی آن‌ها به ترتیب «مدیریت دانش، یادگیری سازمانی، سرمایه فکری، مدیریت راهبردی، حکمرانی، پویایی»، «مدیریت، نوآوری، توسعه محصول، تحقیق و توسعه، آزمایش تجربی، ظرفیت جذب، مزیت» بودند و بیشتر کلیدواژه‌های پرتکرار و رایج در پژوهش‌های راهبرد دانش در این دو خوشه‌اند، جایگاه مهم و مرکزی دارند. این قسمت از یافته‌های پژوهش، با یافته‌های سیلوا و همکاران (2017) و بیرانوند و همکاران (2019) هم‌راستا است. سایر خوشه‌ها در اطراف نقشه (نمودار ۲) قرار گرفته‌اند و به عبارتی تراکم و مرکزیت کمتری دارند. این وضعیت می‌تواند به جدیدبودن برخی مفاهیم و کاربرد آن‌ها در این حوزه مربوط شود. این موضوع سبب شده است واژگان خوشه‌های مدنظر اشتراک کمتری داشته باشند و در شبکه آن‌ها ارتباط کمتری میان این واژه‌ها با سایر واژه‌ها به وجود بیاید که این امر به نوبه خود سبب کاهش نمره مرکزی و تراکم آن‌ها می‌شود.

در نقشه مربوط به آثار حوزه راهبرد مدیریت دانش خوشه‌های ۱، ۵ و ۷، که مفاهیم آن‌ها به ترتیب «مدیریت دانش، دانش، راهبرد سازمان، مسائل»، «سازمان، فناوری، شبکه‌های اجتماعی، طراحی، کدگذاری، کشف»، و «نوآوری، عوامل موفقیت نوآوری» است، جایگاه مهم و مرکزی در میان هشت خوشه شناسایی شده دارند. استفاده از شاخص دربردارندگی (شامل) نیز نشان داد که ۵۳۴ کلیدواژه مشترک (۳۱ درصد) شباهت میان کلیدواژه‌های دو حوزه وجود دارد. در مطالعه احمدی و کویکی (2015) فقط ۸ کلیدواژه مرز مشترک دو حوزه مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش را تشکیل می‌داد.

تحلیل و مقایسه آثار علمی در موضوع‌های راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش به درک بهتر مفاهیم و جریان‌های غالب این حوزه‌ها منجر می‌شود و می‌تواند نقشه راه برای آموزش و پژوهش حوزه‌های علمی فوق و همچنین پیاده‌سازی مناسب در عمل باشد.

پیشنهاد‌های اجرایی پژوهش

(۱) با توجه به مشارکت پژوهشگران علم اطلاعات در پژوهش‌های حوزه راهبرد دانش از یک سو و توانایی و مهارت متخصصان این رشته در شناسایی، دسترسی، ذخیره‌سازی، سازمان‌دهی و اشاعه اطلاعات و دانش موردنیاز در سازمان‌ها از سوی دیگر، پیشنهاد می‌شود در واحدهای درسی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در مقاطع گوناگون تحصیلی بازنگری صورت گیرد و درخصوص واحدهای درسی مرتبط با موضوع‌های کسب‌وکار و مدیریت راهبردی، برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری شود؛

(۲) با توجه به اینکه «راهبرد دانش» یکی از موضوع‌های

مدیریت دانش است تا موضوع راهبرد دانش؛ اما تفاوت نسبتاً چشمگیری میان شاخص اچ. آثار این دو حوزه در جهان وجود ندارد. همچنین به‌رغم اقبال سازمان‌ها در پیاده‌سازی مدیریت دانش و اهمیت و سهم راهبرد دانش در سازمان‌ها، براساس شکل ۱، در سال‌های اخیر شاهد کاهش میزان تولیدات علمی در دو حوزه هستیم. در آثار مربوط به راهبرد دانش، کشور ایالات متحده و در آثار مربوط به راهبرد مدیریت دانش، کشور چین پیشگام است. در میان نویسندگان برتر دو حوزه، بولیسانی تنها فردی است که در هر دو حوزه فعال بوده است. همچنین طبق یافته‌ها، مؤسسه Univ Padua فعال‌ترین مؤسسه در هر دو حوزه است. نکته جالب حضور دانشگاه آزاد اسلامی و همچنین دانشگاه تهران در میان مؤسسات برتر مشارکت‌کننده در حوزه راهبرد مدیریت دانش است؛ بنابراین پژوهشگران ایرانی نیز به موضوع راهبرد مدیریت دانش توجه بیشتری داشته‌اند. درخصوص نشریات برتری که آثار هر دو حوزه را منتشر می‌کنند تقریباً هم‌پوشانی کامل وجود دارد. حوزه اقتصاد کسب‌وکار در هر دو حوزه، بیشترین سهم را در تولید آثار مرتبط داشته است. از دیگر حوزه‌های علمی مشترک می‌توان به اقتصاد کسب‌وکار، علم اطلاعات و کتابداری، علم رایانه و مهندسی اشاره کرد. نکته جالب مشارکت و رقابت دو حوزه علم اطلاعات و علم رایانه در مطالعات دو حوزه مدنظر است؛ به‌گونه‌ای که حوزه علم اطلاعات در مطالعات مربوط به راهبرد دانش سهم بیشتری در مقابل حوزه علم رایانه دارد. این درحالی است که در مطالعات راهبرد مدیریت دانش، حوزه علم رایانه مشارکت بیشتری داشته است. در پژوهش احمدی و کویکی (2015) نیز علم اطلاعات و دانش‌شناسی مرز مشترک دو حوزه مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش شناسایی شده است. درحالی‌که در مطالعه نجفی و همکاران (2017)، بیشترین میزان ارتباط مدیریت دانش با حیطه‌های علمی علوم رایانه، تجارت و مدیریت و حسابداری بوده است.

بعد دیگر پژوهش حاضر تحلیل محتوای مفاهیم و واژگان پژوهش‌های دو حوزه راهبرد دانش و راهبرد مدیریت دانش بود. تحلیل هم‌رخدادی واژگان یکی از پرکاربردترین فنون ترسیم نقشه‌های مفهومی، روش کشف و ترسیم نقشه دانش به‌منظور ردیابی مفاهیم علوم، دیداری‌سازی پویایی زمینه‌های موضوعی است که پژوهشگران آن را برای کشف ارتباطات حوزه‌های پژوهشی علم به‌کار می‌برند. طبق یافته‌های پژوهش، در میان تولیدات علمی این دو حوزه کلیدواژه مدیریت دانش بیشترین فراوانی و درعین حال بالاترین مرکزیت درجه را دارد. همچنین تحلیل خوشه‌ای واژگان آثار حوزه راهبرد دانش به شکل‌گیری پنج خوشه موضوعی با تعداد زیادی مفهوم در هر خوشه و تحلیل خوشه‌ای واژگان آثار حوزه راهبرد مدیریت دانش به شکل‌گیری هشت خوشه موضوعی منجر شده است. مقایسه تعداد خوشه‌ها

- management research: a bibliometric study". *Scientometrics*, 107(3), pp. 1249-1264.
- Akhavan, P., and Bagheri, R. (2010). "Knowledge management: from idea to action". *Tehran: Atingar*. {In Persian}
- Brown, R. B., and Guilding C. (1993). "Knowledge and the academic accountant: An empirical study". *Journal of Accounting Education*, 11(1), pp. 1-13.
- Biranvand, A., Shabani, A., Asemi, A., cheshmaeh Sohrabi, M. (2019). "Mapping Intellectual Structure of Commercialization of Knowledge Research: Using Co-Word Analysis and Science Visualization". *Journal of Studies in Library and Information Science*, 11(Special Issue: Knowledge Management), pp. 45-66. {In Persian}
- Buckman, R. H. (1999). "Collaborative knowledge". *Human resource planning*, 22(1), pp. 22-24.
- Cuellar, M. J., Takeda, H., Vidgen, R., and Truex, D. (2016). "Ideational influence, connectedness, and venue representation: Making an assessment of scholarly capital". *Journal of the Association for Information Systems*, 17(1), 3.
- Callahan, S. (2002). "Crafting a knowledge strategy". In ACT Knowledge Management Forum (ActKM) Conference.
- Dattero, R. (2006). "Collaboration between the top knowledge management and intellectual capital researchers". *Knowledge and Process Management*, 13(4), pp. 264-269.
- Ding, Y., Chowdhury, G. G., and Foo, S. (2001). "Bibliometric cartography of information retrieval research by using co-word analysis". *Information processing & management*, 37(6), pp. 817-842.
- du Toit, A., and Steyn, P. (2011). "Knowledge management as a strategic management tool at a South African enterprise". *African Journal of Business Management*, 5(13), pp. 5083-5091.
- Erfanmanesh, M., Arshadi, H. (2015). "Co-authorship Network of Institutions in Iranian Knowledge and Information Science Papers". *Journal of Academic librarianship and Information Research*, 49(1), pp. 79-99. {In Persian}
- GAO. (2004). "Major Management Challenges شناسایی شده ذیل حوزه راهبرد مدیریت دانش است، پیشنهاد می‌شود در تدوین راهبرد مدیریت دانش برای سازمان‌ها، بخش مجزایی به راهبرد دانش سازمان اختصاص داده شود تا در این بخش، ضمن اشاره به اهداف و راهبردهای کلان سازمان، به دانش‌های مهم و بحرانی لازم برای سازمان و نحوه دستیابی به آن‌ها توجه شود.
- پیشنهاد برای پژوهش‌های آتی**
- در پایان براساس پژوهش حاضر پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی ارائه می‌شود:
۱. تحلیل محتوا و ساختار مفاهیم و واژگان مدارک علمی زیر حوزه‌ها و خوشه‌های حاصل از مطالعه حاضر به طور مجزا با استفاده از شاخص‌های علم‌سنجی و ترسیم نقشه علم؛
 ۲. اجرای پژوهشی مستقل با استفاده از فنون هم‌تألفی و هم‌استنادی با هدف دست‌یافتن به آینه تمام‌نمایی از پژوهش در دو حوزه؛
 ۳. تحلیل ساختار و مفاهیم تولیدات علمی این دو حوزه در دیگر پایگاه‌های استنادی نظیر اسکوپوس و گوگل اسکالر به منظور ارزیابی جامع‌تری از وضعیت پژوهش این دو حوزه؛
 ۴. تحلیل محتوا و ساختار مفاهیم و واژگان مدارک علمی دو حوزه فوق در پایگاه‌های اطلاعات علمی به زبان فارسی در داخل کشور و مقایسه ساختار مطالعات داخل و خارج از کشور در این حوزه‌ها.
- منابع**
- Abbasi, A., Hossain, L., and Leydesdorff, L. (2012). "Betweenness centrality as a driver of preferential attachment in the evolution of research collaboration networks". *Journal of Informetrics*, 6(3), pp. 403-412.
- Ahmadi, H., Osareh, F. (2017). "Co-word Analysis Concept, Definition and Application". *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 28(1), pp. 125-145. {In Persian}
- Ahmadi, H. and Kokabi, M. (2015). "Co-word analysis: a study on the links and boundaries between information and knowledge management according to Iranian press authors". *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 30(3), pp. 647-676. {In Persian}
- Akhavan, P., Ebrahim, N. A., Fetрати, M. A., and Pezeshkan, A. (2016). "Major trends in knowledge

- and Programm Risks: A Governmentwide Perspective". *General Accounting Officer Report GAO*, 1(21).
- Han, P., Shi, J., Li, X., Wang, D., Shen, S., and Su, X. (2014). "International collaboration in LIS: global trends and networks at the country and institution level". *Scientometrics*, 98(1), pp. 53-72.
- Hansen, D. L., Shneiderman, B., & Smith, M. A. (2010). *Analyzing social media networks with NodeXL: Insights from a connected world*. Burlington: Morgan Kaufmann.
- He, Q. (1999). "Knowledge discovery through co-word analysis". *Library Trends*. 48(1), pp. 133-159.
- Kasten, J. (2007). "Knowledge strategy and its influence on knowledge organization. Proceedings of the North American Symposium on Knowledge Organization". *NASKO*, 1(1), p. 100-104.
- Keshtkar, M., Narimani, A. (2013). "A study of knowledge management pattern and proposition of a knowledge strategy formulation model in a research center". *Military Science and Tactics*, 9(23), pp. 27-54. {In Persian}
- Khademi, R., Heidari, G. (2016). "Mapping the intellectual structure of Information Management using Co-words during 1986 to 2012". *Sciences and Techniques of Information Management*, 2(2), pp. 59-93. {In Persian}
- Kim, Y. G., Yu, S. H., and Lee, J. H. (2003). "Knowledge strategy planning: methodology and case". *Expert systems with applications*, 24(3), pp. 295-307.
- Law, J., and Whittaker, J. (1992). "Mapping acidification research: A test of the co-word method". *Scientometrics*, 23(3), 417-461.
- Lee, P.C., and Su, H. N. (2011). "Quantitative mapping of scientific research-The case of electrical conducting polymer nanocomposite". *Technological forecasting and social change*, 78(1), pp. 132-151.
- Ma, Z. and Yu, K. H. (2010). "Research paradigms of contemporary knowledge management studies: 1998-2007". *Journal of Knowledge Management*, 14(2), pp. 175-189.
- Mahdich, O. (2010). "Knowledge Management and Competitive Strategy of the Company: The Role of Strategic Reference Points". *Technology Development Quarterly*, 6(23), pp. 15-27. {In Persian}
- Najafi, H., Aghdasi, M., Teimurpoor, B. (2017). "Designing Knowledge Map for Knowledge Management projects Using Network Analysis". *Journal of Information Technology Management*, 9(3), pp. 637-657. {In Persian}
- Norouzi Chakoli A. (2012). "The Role and Situation of the Scientometrics in Development". *Journal of Information Processing and Management*, 27(3):723-736. {In Persian}
- Perçin, S. (2010). "Use of analytic network process in selecting knowledge management strategies". *Management Research Review*. 33(5), pp. 452- 471.
- Ponzi, L. (2002). "The intellectual structure and interdisciplinary breadth of knowledge management: A bibliometric study of its early stage of development". *Scientometrics*, 55(2), pp. 259-272.
- Radfar, A. (2012). "Review of specialized books and articles published in the field of library and information in 1390". *Journal of knowledge studies*, 5(18), pp. 35-50. {In Persian}
- Ramezani, H., Alipour-Hafezi, M., Momeni, E. (2014). "Scientific Maps: Methods and Techniques". *Popularization of Science*, 5(1), pp. 53-84. {In Persian}
- Rezaeeyan, A., Mohammad Ahmadvand, A., and Tavallaee, R. (2010). "The Study of Knowledge Management Strategy and Knowledge Strategy in Organizations". *Police Organizational Development*, 6(27), pp. 33-64. {In Persian}
- Salemi, N. and Koosha, K. (2014). "Co-citation Analysis and Co-word Analysis in Bibliometrics Mapping: A Methodological Evaluation". *Iranian Journal of Information Processing and Management*, 29(1), pp.253-266. {In Persian}
- Salemi, N., Fadaei, G., Asareh, F. (2014). "Social Network Analysis in Evaluation of criteria for the use of bibliometric". *Journal of knowledge studies*, 7(25), pp. 81-88. {In Persian}

- Sedighi, M., and Jalalimanesh, A. (2017). "Mapping research trends in the field of knowledge management". *Malaysian Journal of Library & Information Science*, 19(1), pp. 71-85.
- Sedighi, M., (2015). "Using of co-word analysis method in mapping of the structure of scientific fields (case study: The field of Informetrics)". *Journal of Information Processing and Management*, 30(2), pp.373-396. {In Persian}
- Serenko, A. and Bontis, N. (2004). "Meta-review of knowledge management and intellectual capital literature: Citation impact and research productivity rankings". *Knowledge and process management*, 11(3), pp. 185-198.
- Serenko, A and Bontis, N. (2013). "Global ranking of knowledge management and intellectual capital academic journals: 2013 update". *Journal of Knowledge Management*, 17(2), pp. 307-326.
- Shiffirin, R., Borner, K. (2004). *Mapping knowledge domains*. National academy of science of the U.S.A., 101(1), 5183-5185.
- Sharifzadeh, F., Budlaei, H. (2008). "Knowledge management in administrative, production and service organizations". *Tehran: Jahade Daneshgahi* (Allameh Tabatabai University) {In Persian}
- Shekofteh, M. and Hariri, N., (2013). "Scientific mapping of medicine in Iran using subject category co-citation and social network analysis". *Journal of Health Administration (JHA)*, 16(51), pp.43-59. {In Persian}
- Shokriehzadeh, P., Zalzadeh, E., Soheili, F. (2017). "Drawing the Structure of Scientific Domains Using Co-word Method: A Case Study of Kermanshah Province Agricultural Studies". *Scientometrics Research Journal*, 3(5), pp. 85-96. {In Persian}
- Short, T. (2000). "Components of a knowledge strategy: Keys to successful knowledge management". *Srikantaiah and Koenig [915], knowledge management for the information professional*, Medford. Nj., pp. 351-363.
- Silva, R., Leal, C., Marques, C. S., and Ferreira, J. (2017). "The strategic knowledge management, innovation and competitiveness: a bibliometric analysis". Proceedings of the 9th European Conference on Intellectual Capital, Academic Conferences International Limited, Maribor, Portugal: Lisbon, 6 – 9 April, pp. 303.
- Soheili, F., Osareh, F. (2013). "Concepts of Centrality and Density in Scientific and Social Networks". *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 24(3), pp. 92-108. {In Persian}
- Soheili, F., Khasseh, A., koranian, P. (2018). "Thematic trends of concepts in Knowledge and Information Science based on co-word analysis in Iran". *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 29(2), pp. 171-190. {In Persian}
- Tectem (2001). *Benchmarking project knowledge management*. Benchmarking center. University st. gallen, switzerland. Screening report: 37.
- Tiwana, A. (1999). "The Knowledge Management Toolkit, Prentice Hall". Available at: http://sgpwe.izt.uam.mx/files/users/uami/dml/Tiwana_Amrit_1999_Knowledge_Management_Toolkit1.pdf, Accessed: 94.08.24.
- Van den Besslaar, P., and Heimeriks, G. (2006). "Mapping research topics using word-reference co-occurrences: A method and an exploratory case study". *Scientometrics*, 68(3), pp. 377–393.
- Zach, M. H. (1999). "Developing a knowledge strategy". *California management review*, 41(3), pp. 125-145.
- Zolfaghari, S., Tavakkoli, M., Mirzaei, A., Soheili, F., Sajjadian, M. (2016). "The Application of Patent Co-Word Map Analysis in Technical Knowledge Disclosure". *National Studies on Librarianship and Information Organization*, 27(3), pp. 147-159. {In Persian}
- Zolfaghari, S., Soheili, F., Tavakkolizadeh Ravari, M., Mirzaei, A. (2015). "A Patents' Co-word Analysis for Determining the Subject Trends of Technology". *Rahyaf*, 25(59), pp. 51-64. {In Persian}

Scientometric Comparison of Concepts of Knowledge Strategy and Knowledge Management Strategy

Somayeh Jafari¹
Sepideh Fahimifar²

Abstract

Given the difference between knowledge strategy and knowledge management strategy, this study analyzes and compares knowledge strategy and knowledge management strategy research. This study is a descriptive-scientific approach that uses co-word and social network analysis techniques. The research community is the scientific studies of the knowledge strategy and knowledge management strategy in the WOS. Histcite, Excel, and Gephi software were used to analyze the data and VOS viewer to draw the maps. The United States and China have the highest production in the fields of knowledge strategy and knowledge management strategy. Bratiano and Birli have the highest production and citations in the field of knowledge strategy, and Hansen, Neuchrea and Tierney have the highest production and citations in the field of knowledge management strategy. The business economy has contributed the most to the production of studies in both fields. Padua University has the largest participation in both fields. The keywords of the knowledge strategy constitute 5 clusters and the knowledge management strategy constitute 8 clusters. There are 534 common keywords in the thematic clusters of these two fields. The growth trend of scientific production of two fields is ascending and more products and citations in the field of knowledge management strategy show more attention of researchers to this field. The field of information science has more participation in research productions of knowledge strategy than the field of computer science.

Keywords: Knowledge Strategy, Knowledge Management Strategy, Scientometrics, Co-Word, Knowledge Map, Social Network Analysis

1. PhD student in Information and Knowledge Management, Department of Information Science and Knowledge Studies, University of Tehran. Email: jafari.somayyeh@gmail.com

2. Assistant Professor, Department of Information Science and Knowledge Studies, University Of Tehran, (Corresponding author). Email: sepidehfahimi2004@yahoo.com

نقش نامه و فرم تعارض منافع

الف) نقش نامه

سمیه جعفری	سپیده فهیمی فر	
نویسنده اول	نویسنده مسئول	نقش
نگارش متن اصلی	بازنگری کلی	نگارش متن
بازنگری جزئی	کامنت‌دهی روی متن نهایی / ارسال مقاله به مجله	ویرایش متن و ...
-	طراحی / مفهوم پردازی	طراحی / مفهوم پردازی
گردآوری داده	-	گردآوری داده
تحلیل / تفسیر داده	تحلیل / تفسیر داده	تحلیل / تفسیر داده
-	-	سایر نقش‌ها

ب) اعلام تعارض منافع

در جریان انتشار مقالات علمی تعارض منافع به این معنی است که نویسنده یا نویسندگان، داوران و یا حتی سردبیران مجلات دارای ارتباطات شخصی و یا اقتصادی می‌باشند که ممکن است به طور ناعادلانه‌ای بر تصمیم‌گیری آن‌ها در چاپ یک مقاله تأثیرگذار باشد. تعارض منافع به خودی خود مشکلی ندارد بلکه عدم اظهار آن است که مسئله‌ساز می‌شود.

بدین وسیله نویسندگان اعلام می‌کنند که رابطه مالی یا غیر مالی با سازمان، نهاد یا اشخاصی که موضوع یا مفاد این تحقیق هستند ندارند، اعم از رابطه و انتساب رسمی یا غیررسمی. منظور از رابطه و انتفاع مالی از جمله عبارت است از دریافت پژوهانه، گرنت آموزشی، ایراد سخنرانی، عضویت سازمانی، افتخاری

یا غیررسمی، اشتغال، مالکیت سهام، و دریافت حق اختراع، و البته محدود به این موارد نیست. منظور از رابطه و انتفاع غیر مالی عبارت است از روابط شخصی، خانوادگی یا حرفه‌ای، اندیشه‌ای یا باورمندانه، و غیره.

چنانچه هر یک از نویسندگان تعارض منافی داشته باشد (و یا نداشته باشد) در فرم زیر تصریح و اعلام خواهد کرد:

مثال: نویسنده الف هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد. نویسنده ب از شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است گرنت دریافت کرده است. نویسندگان ج و د در سازمان فلان که موضوع تحقیق بوده است سخنرانی افتخاری داشته‌اند و در شرکت فلان که موضوع تحقیق بوده است سهامدارند.

اظهار (عدم) تعارض منافع: با سلام و احترام؛ به استحضار می‌رساند نویسندگان مقاله هیچ‌گونه تعارض منافی ندارد.

نویسنده مسئول: سپیده فهیمی فر

تاریخ: ۱۴۰۰/۹/۷